



حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی

خراسانی شرکت جست. در این تاریخ، بسا توجه به درخواستهای مکرر پدر، به قصد آنکه دوباره به نجف باز گردد، راهی بروجرد شد؛ اما در ۱۳۲۹، مرگ پدر از یک سو و رحلت استادش، آخوند خراسانی - که در تشویق و تکریم بروجردی می‌کوشید -

از سوی دیگر، و نیز درخواست مردم، سبب شد که وی در بروجرد به عنوان رهبر دینی بماند (دوانی، ص ۱۰۱؛ علوی طباطبائی، ص ۷۱۰-۷۱۱).

آیت‌الله بروجردی در ۱۳۴۵ راهی عراق و از آنجا عازم حج شد و هنگام بازگشت، هشت ماه در نجف توقف کرد. موقع ورود به ایران، مأموران دولت وقت که از ملاقات او با علمای نجف بدگمان شده بودند، وی را بازداشت و به تهران منتقل کردند؛ اما آیت‌الله بروجردی پس از مدتی آزاد شد (درباره پیشینه و جزئیات این بازداشت - سلطانی طباطبائی، ص ۳۳-۳۱؛ علوی، «آیت‌الله بروجردی...»، ص ۳۳۶-۳۳۳) و به مشهد رفت و سیزده ماه (یا هشت ماه) در آنجا توقف کرد. در مراجعت از مشهد، به اصرار آیت‌الله حائری یزدی^۵ مؤسس حوزه علمی قم، مدت کمی در قم اقامت کرد (دوانی، ص ۱۰۴)، ولی به دلیل درخواستهای مکرر مردم بروجرد یا به عللی دیگر، قسم را به سوی بروجرد ترک گفت (علوی، «آیت‌الله بروجردی...»، ص ۳۳۷-۳۳۸).

وی به هنگام اقامت در بروجرد، یکی از مراجع تقلید محبوب و مورد احترام در غرب ایران بود و تا ۱۳۲۳ ش، در بروجرد به فعالیتهای علمی و اجتماعی اشتغال داشت (علوی «آیت‌الله بروجردی...»، ص ۳۳۳-۳۳۸). در همین سال، بر اثر بیماری شدید، به بیمارستان فیروزآبادی تهران انتقال یافت. در این هنگام حوزه علمی قم را سید صدرالدین صدر، سید محمدحجت کوه کمری و سید محمدتقی خوانساری، اداره می‌کردند. آیت‌الله بروجردی با تقدّم سنی و جایگاه والای علمی و اعتبار و نفوذی که داشت، می‌توانست حوزه علمی قم را، که بر اثر فشارهای حکومت خصوصاً پس از فوت آیت‌الله حائری شدیداً تضعیف شده بود، سر و سامانی دوباره ببخشد؛ ازینرو در آذر ۱۳۲۳ در پی درخواست جدی بزرگان حوزه، تجار و

مرتضی بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم، المعروف بالفوائد الرجالية، چاپ محمد صادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم، تهران ۱۳۶۳ ش، مقدمه مصححان، ج ۱، ص ۱۲۹؛ محمد بن سلیمان تنکابنی، کتاب قصص العلماء، تهران [بی‌تا]؛ محمد شفیع بن علی اکبر جابلقی بروجردی شفیعا، الروضة البهیة فی الطرق الشفیعیة، چاپ سنگی تهران ۱۲۸۰، بدون صفحه‌شمار، اواخر کتاب؛ محمد باقر بن زین‌العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲؛ عباس قمی، فوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة، [بی‌جا، بی‌تا] (به نقل از روضات)؛ محمد مهدی کشمیری، تکملة نجوم السماء، قم [تاریخ مقدمه ۱۳۹۷]، ج ۱، ص ۱۱۰، ۴۶۲ (به نقل از المآثر والآثار والروضة البهیة)؛ محمد علی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش، ج ۲، ص ۲۶-۲۵ (به نقل از المآثر والآثار)؛ علی اصغر بن علی اکبر نیر بروجردی، نور الانوار، تهران ۱۲۷۵، شرح حال مؤلف در پایان کتاب.

/ حسن طارمی /

بروجردی، حاج آقا حسین طباطبائی، بزرگترین

مراجع تقلید جهان تشیع در عصر خود. در ۱۲۹۲ در بروجرد متولد شد (رازی، ج ۲، ص ۱۰؛ دوانی، ص ۹۳). از خانواده وی چهره‌های برجسته دیگری چون سید مهدی بحر العلوم (متوفی ۱۲۱۲) نیز برخاسته‌اند. نسبش، با سی واسطه، به امام مجتبی علیه السلام می‌رسد (رازی، ج ۲، ص ۹). جد پنجم او، سید محمد طباطبائی از دانشمندان دینی و خواهرزاده علامه محمد باقر مجلسی بود (جزائری، ص ۱۷۵) که در نجف می‌زیست و در یکی از سفرهای خود به زادگاهش اصفهان، به خواهش مردم بروجرد، مدتی در آن شهر اقامت کرد و مؤسس یکی از مهمترین خاندانهای علمی شیعه شد، و آرامگاه او در بروجرد معروف است (دوانی، ص ۸۲، ۸۴). سید علی، پدر بروجردی که خود از علوم دینی بهره برده بود و با زراعت روزگار می‌گذرانید، فرزندش را به تحصیل علوم دینی گماشت (برای اطلاع درباره اجداد و نسب آیت‌الله بروجردی - علوی طباطبائی، ص ۷۰۸-۷۰۴؛ علوی، «خاندان و نسب...»، ص ۳۴۳-۳۶۷). بروجردی پس از تحصیلات مقدماتی در بروجرد، در ۱۳۱۰ (رازی، ج ۲، ص ۱۰؛ دوانی، ص ۹۴) به اصفهان رفت و نزد علمای مجری چون میرزا ابوالمعالی کلباسی، محمدتقی مدرس، سید محمد باقر درچه‌ای، ملا محمد کاشانی معروف به آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی به تحصیل رجال، فقه، اصول، فلسفه و ریاضیات پرداخت و در فقه و اصول صاحب نظر و دارای مینا شد؛ همچنین حوزه درسی تشکیل داد و شاگردانی تربیت کرد (علوی، ص ۹۹؛ رازی، همانجا). در ۱۳۲۰، راهی نجف شد و تا ۱۳۲۸ در مجالس درس شریعت اصفهانی، سید محمدکاظم یزدی و بویژه آخوند

متدینین قم و تهران، با تکریم و احترام کم نظیری در قم اقامت گزید (سلطانی طباطبائی، ص ۴۳؛ میرقی، ص ۷۱؛ احمدی، ص ۸۰؛ فاضل لنکرانی، ص ۱۳۹؛ سبحانی، ص ۱۸۲).

پس از وفات آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی^۵ (۱۳۲۵ ش) و آیت الله حاج آقا حسین قمی^۶ (۱۳۲۶ ش) در نجف، آیت الله بروجردی، تا زمان وفاتش در ۱۳۴۰ ش، از بزرگترین مراجع تقلید در جهان تشیع بود (علوی طباطبائی، ص ۷۱۳). نفوذ کم نظیر او در دوران مرجعیت به گونه ای بود که دولت حاکم سعی می کرد با مخالفت وی روبرو نشود.

فعالیت سیاسی و اجتماعی. با وجود ارتباط نزدیک بروجردی و آخوند خراسانی، هنوز نشانه ای از مداخله او در انقلاب مشروطیت به دست نیامده است. گویا بر اثر خاطرات ناگواری که از برخی رویدادهای مشروطیت داشت، از دخالت مستقیم در اموری که به تعبیر خودش «آغاز و پایان آن روشن نبود»، پرهیز می کرد (سلطانی طباطبائی، ص ۳۶؛ دوانی، ص ۳۵۲). با اینهمه در برابر کارهای ضد دینی حکومت شاه سکوت نمی کرد، از همراهی با حرکت های سیاسی - دینی در صورت لزوم دریغ نمی ورزید و از نفوذ دینی و اجتماعی خود بهره می جست. برخی از فعالیت های سیاسی وی عبارت است از: تهدید به خروج از بروجرد در اعتراض به فعالیت فرقه ضالّه (علوی، ص ۳۲۸)؛ دفاع صریح و اظهار همراهی با آیت الله قمی بعد از شهریور ۱۳۲۰ (سلطانی طباطبائی، ص ۵۴؛ علی صافی گلپایگانی، ص ۱۱۶)؛ پیشگیری جدی از حضور افراد ناباب و ضد دین در دستگاه اداری کشور (دوانی، ص ۳۵۹-۳۶۰؛ سبحانی، همانجا؛ واعظ زاده خراسانی، ص ۲۳۱)؛ مخالفت قاطع با تغییر خط (فاضل لنکرانی، ص ۱۵۳-۱۵۴)؛ مخالفت جدی با برخی اقدامات دولت که بعدها شاه در اشاره به همین مخالفت، او را «مقام غیرمسئول» مانع اجرای برنامه های خود معرفی می کرد (سلطانی طباطبائی، ص ۵۰)؛ تلاش برای رهانیدن آیت الله کاشانی از محاکمه در دادگاه های دوران پهلوی (فاضل لنکرانی، ص ۱۵۵)؛ مخالفت با پیشنهاد نیابت سلطنت خواهر شاه (علی صافی گلپایگانی، همانجا)؛ کمک مالی پنهانی به گروه فداییان اسلام (بدلا، ص ۹۸)؛ حمایت از دولت دکتر مصدق (واعظ زاده خراسانی، ص ۲۲۶) و صدور بیانیه در اعتراض به اشغال فلسطین (همان، ص ۲۳۸).

در زمان مرجعیت بروجردی، اقدامات مذهبی و اجتماعی فراوانی صورت گرفت، از جمله: ساختن یا بازسازی چندین کتابخانه، بیمارستان، مسجد، مدرسه و مدرسه علمیه در نواحی مختلف ایران و سایر کشورها، از جمله در عراق و آلمان (علوی طباطبائی، ص ۷۲۱-۷۲۲)؛ انتشار برخی کتاب های دینی خصوصاً آثار مهم عالمان پیشین و کتاب های زیادی به زبان ساده برای تبلیغ

مسائل مذهبی؛ تأسیس دو نشریه ماهانه و سالانه دینی به ابتکار عده ای از مدرسان حوزه و با تأیید آیت الله بروجردی؛ اعزام هیئتهای دینی به اروپا، ایالات متحده، پاکستان، عربستان سعودی و آفریقا. همچنین حوزه علمیه قم، که در ایام مرجعیت آیت الله حائری صرفاً تالی مناسبی برای حوزه نجف به شمار می رفت، در زمان مرجعیت آیت الله بروجردی به صورت مهمترین مرکز روحانی و دینی جهان تشیع درآمد؛ و در سایه همین مرکزیت بود که این حوزه وسعت یافت و بسیاری از طلاب و علمای شیعه به آن جذب شدند، و شمار آنان از پنجهزار تن گذشت و حوزه نجف برای نخستین بار، از کمکیهای مالی حوزه قم استفاده کرد.

بروجردی با سازماندهی کارهای حوزه، برگزاری جلسات امتحانی طلاب، تشویق طلاب درس خوان، توصیه نگارش کتاب های ساده و درست دینی، تلاش برای حفظ حیثیت روحانیان در قم و در سایر شهرها، در گرایش نسل جوان به علوم دینی سهم جدی داشت (علوی طباطبائی، ص ۷۲۰). او با احاطه کم نظیر بر علوم مختلف اسلامی و آگاهی از دانش های مثل نجوم و تاریخ، و مطالعه کتاب های غیر دینی و اطلاع از روند علمی و فرهنگی جهان، به زدودن پیرایه هایی که بر دین افزوده شده بود، همت گماشت. او در اعزام مبلغان مذهبی به داخل و خارج، همه نکات لازم را رعایت می کرد و ازینرو از عوامل مؤثر علاقه مندی افراد به علوم دینی و روحانیت و نیز نفی تبلیغات ضد مذهبی بود که با سرعت و وسعت در آن روزگار انجام می گرفت.

سهم آیت الله بروجردی در پیشبرد علوم دینی بسیار چشمگیر است. وی علاوه بر برگزاری جلسات منظم درسی و بررسی امور مذهبی، در فقه و اصول و حدیث و رجال نیز تألیفاتی دارد.

تعداد آثار علمی او، که به وسواس و احتیاط علمی شهرت داشت، به چهل کتاب و رساله می رسد که از آن جمله است: جامع احادیث الشیعه، که تدوین آن به یاری عده ای از شاگردان او، در زمان حیاتش آغاز شد و مجلدات نخستین آن، به چاپ رسید و انتشار سایر مجلداتش بعد از درگذشت او ادامه یافت. این کتاب که کوششی است برای تدوین تمامی احادیث شیعه در یک مجموعه، نشانه تخصص کم نظیر بروجردی در رجال و حدیث است؛ مجموعه کتاب هایی به نام تجرید الاسانید در رجال؛ حاشیه بر کفایة الاصول؛ الفقه الاستدلالی و ... (برای همه آثار - استادی، ص ۲۸۹-۳۰۳؛ واعظ زاده خراسانی، ص ۲۰۷-۲۱۱).

بسیاری از صاحب نظران وی را مبتکر روش جدیدی در علم رجال می دانند. با این روش، که از راه بررسی مستقل سند احادیث انجام می شود، فاصله زمانی سلسله روایان، تعداد

مراسم تشییع و عزاداری وی نیز، که در نوع خود کم‌نظیر بود، در کتابهای شرح حال وی گزارش شده است.

منابع: جعفر احمدی، «مصاحبه با آیه‌الله سید جعفر احمدی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ رضا اسنادی، «آثار و تألیفات آیه‌الله بروجردی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ بحثن درباره مرجعیت و روحانیت، تهران ۱۳۴۱ ش؛ حسین بڈلا، «مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین سید حسین بڈلا»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ عبدالله جزائری، «الاجازة الکبيرة، چاپ محمد سمای حائری، قم ۱۴۰۹؛ عبدالهادی حائری، «شرح حال آیه‌الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی»، مسلمین، ج ۱ (۱۳۳۰ ش)؛ کاظم حلفی، السید البروجردی، نجف ۱۹۶۱؛ علی درانی، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی، تهران ۱۳۷۱ ش؛ محمد رازی، آثار الحجة، قم ۱۳۳۲ ش؛ مهدی روحانی، «مصاحبه با استاد آیت الله حاج سید مهدی روحانی»، نور علم، دوره ۳، ش ۵ (۱۳۶۷ ش)؛ جعفر سبحانی، «مصاحبه با آیه‌الله جعفر سبحانی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ محمد باقر سلطانی طباطبائی، «مصاحبه با آیه‌الله سید محمد باقر سلطانی طباطبائی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ صالح شهرستانی، «قم و جامعها العلمية الدينية و سیدها المرجع الاکبر البروجردی»، العرفان، ج ۶ (۱۹۶۸)، ص ۷۶۰-۷۶۹؛ علی صافی گلپایگانی، «مصاحبه با آیه‌الله شیخ علی صافی گلپایگانی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ لطف الله صافی گلپایگانی، «مصاحبه با آیه‌الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ جواد علوی، «آیه‌الله بروجردی در بروجرد»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ همو، «خاندان و نسب آیه‌الله بروجردی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ محمد حسین علوی بروجردی، خاطرات زندگانی حضرت آیه‌الله العظمی آقای بروجردی، تهران ۱۳۴۰ ش؛ اسماعیل علوی طباطبائی، «شرح حال آیت الله العظمی بروجردی»، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، چاپ رضا اسنادی، قم ۱۳۶۵ ش؛ محمد فاضل، «مصاحبه با استاد آیت الله حاج شیخ محمد فاضل»، نور علم، دوره ۳، ش ۶ (۱۳۶۷ ش)؛ محمد فاضل لنکرانی، «مصاحبه با آیه‌الله محمد فاضل لنکرانی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ مرتضی میرقی، «مصاحبه با آیه‌الله سید مرتضی میرقی (فقیه)»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ ناصر مکارم شیرازی، «مزايا و خصایص اخلاقی آیه‌الله بروجردی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛ محمد واعظ زاده خراسانی، «مصاحبه با حجة الاسلام والمسلمین محمد واعظ زاده خراسانی»، حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۰)؛

R.W.Cottam, *Nationalism in Iran*, Pittsburgh 1967; A. K. S. Lambton, "A reconsideration of the position of the Marja'at-taqlid and the religious institution", *Studia Islamica*, XX (1964), 115, 135; Peer Mohamed Ebrahim Trust, *Shiaism explained*, Karachi 1972.

/ عبدالهادی حائری و یحیی رهایی /

روایات هر راوی، جایگاه علمی و حدیثی او، میزان وثاقت، استادان و شاگردان وی، تعیین، و در نتیجه تقسیم احادیث به مُرسل و مُسند آسان می‌شود و ضمناً به تشخیص و تفکیک اسامی مشابه در سلسله روایان در حدیث و کشف هرگونه تصحیف و تحریف و حذف واسطه‌ها در این زمینه کمک می‌کند. در این روش، روایان حدیث از زمان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا زمان آیت الله بروجردی به ۳۶ طبقه، که هر یک مختصات خاص خود را دارد، طبقه‌بندی شده‌اند. وی در فقه و اصول نیز روشی خاص داشت؛ او آگاهی از فتاوی فقهای اولیه مذاهب اسلامی و نظریات عالمان اهل سنت را در فهم معانی روایات و احادیث شیعی مؤثر می‌دانست؛ زیرا از یک سو، عبارات کتب قدماي شیعه را، که حاوی مسائل القضا شده از سوی امامان علیهم السلام اند، به منزله احادیث مرسل می‌دانست و بر تفکیک آنها از مسائل تفریعی استنباطی در منابع فقهی تأکید داشت، و از سوی دیگر معتقد بود که فقه اهل سنت در زمان امامان شیعه علیهم السلام حاکم و رایج بوده، لذا آنان در فرصتهایی که می‌یافته‌اند، عمدتاً بر تبیین موارد اختلاف خود با فتاوی رایج روزگاران تأکید می‌کرده‌اند (فاضل، ص ۱۴-۱۸). بروجردی به سیر تاریخی هر مسئله به استناد قرائین، توجه می‌کرد، از طرح مباحث کم‌ثمر و صرفاً ذهنی پرهیز می‌نمود و «توزم» علم اصول را نمی‌پسندید (درباره مسلک رجالی و فقهی او - روحانی، ص ۱۹-۲۰؛ فاضل، ص ۱۸؛ سبحانی، ص ۱۷۷-۱۸۰؛ سلطانی طباطبائی، ص ۴۱-۴۲؛ لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۱۱۹-۱۲۱؛ علوی، «آیه‌الله بروجردی...»، ص ۳۲۱-۳۲۷؛ فاضل لنکرانی، ص ۱۴۴-۱۴۶؛ واعظ زاده خراسانی، ص ۲۱۴-۲۱۹). روش فقهی و حدیثی او نیز، که شاگردانش آن را پیگیری کردند، بر روشهای درسی حوزه نجف تأثیر گذاشت (همانجاها). آیت الله بروجردی بر آن بود که مناسبات شیعه و سنی را بهبود بخشد و به همین دلیل، با «دارالتقريب بين المذاهب الاسلامیة» همکاری نزدیک داشت. او با شیوخ دانشگاه الأزهر - شیخ عبدالمجید سلیم و محمود شلتوت - مکاتبه می‌کرد (مکارم شیرازی، ص ۲۶۹-۲۷۳) و در پی همین مناسبات بود که فتاوی مشهور شیخ شلتوت مبنی بر شناسایی فقه مذهب جعفری به عنوان یکی از مذاهب اسلام و در ردیف مذاهب چهارگانه اهل سنت صادر شد (به تراسه، ص ۱۰، مقدمه) و برخی از منابع مهم فقهی و تفسیری شیعه در مصر به چاپ رسید.

درباره ملکات اخلاقی و روش زندگی شخصی و نگرشهای اجتماعی و حساسیت آیت الله بروجردی نسبت به جایگاه دین و دینداران و برخورد جدی او با انحرافات مذهبی مطالب فراوانی نقل شده است (به مجله حوزه، سال ۸، ش ۲۰۱).